

به نام خدا

مای بی من

شاعر

ابوالفضل عباسیان (امیر)

با مقدمه

دکتر محمد فلاحی نسب



www.ketab.ir

سرشناسه: عباسیان، امیرابوالفضل، ۱۳۶۷-

عنوان و نام پدیدآورنده: مای بی من/شاعر امیرابوالفضل عباسیان.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشی نوآوران شریف، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۹۰ص.

شابک: 978-622-6937-34-4

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian poetry -- 20th century

رده‌بندی کنگره: PIR۸۳۵۴

رده‌بندی دیویی: ۸۵۱/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۱۴۹۵۷

تهران - میدان انقلاب - خیابان جمال‌زاده جنوبی - بعد از جمهوری - خیابان چنگیزی -

خیابان زرین قدم - بن بست مهربان - پلاک ۲۱ - واحد ۱

تلفن: ۰۲۱۶۶۹۱۶۷۹۶ - ۰۲۱۶۶۹۱۶۷۳۴ - ۰۹۱۲۳۰۱۳۶۶ - ۰۹۱۰۹۱۹۲۵۷۳



عنوان کتاب: مای بی من

شاعر: امیرابوالفضل عباسیان (امیر)

ناشر: پژوهشی نوآوران شریف

نوبت چاپ: چاپ اول - آبان - ۱۴۰۰

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

صفحه‌آرایی: سحر ابراهیمی

قیمت: ۴۸۰۰۰۰ ریال

برای کسب اطلاعات بیشتر از این مجموعه به آدرس تلگرامی زیر مراجعه فرمایید.

https://t.me/khf_sharif

مقدمه



شاید غزل تنها قالبی باشد که گذر زمان گرد و غبار کهنگی بر آن ننشاند. یکی از تقابل‌های اندیشگی در میان غرب و شرق تقابل بین ادبیات و فلسفه است. به همان اندازه که در غرب به فلسفه اهمیت می‌دادند، در شرق غرق در شاعرانگی بودند. ایرانیان از زاویه‌ی دید شعر به دنیای اطراف خود می‌نگریستند و کودکان از بدو تولد با هارمونی زیبای شعر پرورده می‌شدند. هر مادری شاعر کودک خود بود؛ و گهواره‌ها، با ضرب آهنگ شعر به حرکت در می‌آمدند. در میان قالب‌های شعری که ایرانیان ابداع کردند دلنشین‌ترین قالب، قالب غزل است. غزل کیمیای گران‌بهایی است که مونس زخم‌های عاشقان در همه‌ی تاریخ بوده است. چه بسا پر سیمرغ دلخستگان مسلخ عشق بوده باشد. با رستخیز قالب‌های مدرن و شعر فاخر، قالب غزل نه تنها افول نکرد؛ بلکه از تپش و ادبیت بیشتری برخوردار شد. از آنجا که ادبیات ما، ادبیات چهره‌هاست، در غزل هم چندین شاعر چهره می‌شوند. و دیگران در سایه قرار می‌گیرند. که یا اصلاً دیده نمی‌شوند و یا بسیار کم‌رنگ جلوه می‌کنند. غزل کلاسیک با حافظ، سعدی، عراقی، سنائی و مولانا، آنچنان عجیب می‌شود که دیگران مانند خواجه‌ی کرمانی، مانند فرخی مانند خاقانی بسیار کم‌رنگ بنظر می‌آیند. این چهره‌ها جدا از قالب نامبرده (غزل) در

ادبیات معاصر هم به چشم می‌آیند. شاملو، نیما، فروغ، سهراب و اخوان چهره می‌شوند و دیگران یارای عرض اندام پیدا نمی‌کنند. در چنین آشفته بازاری رسالت شاعر علاوه بر خویشتنداری، بایبندی به رسالت هنر و مقید بودن به شاعرانگی است. ضعف عمده‌ی غزل در روزگار معاصر فقر در حوزه‌ی اندیشگی است. نبود پایگاه فکری و ایدئولوژی مستحکم اندیشگی از بزرگترین نقاط ضعف شاعران معاصر است. انتقاد دیگری که بر شعر امروز وارد است، چالش‌های حوزه‌ی زبان است. شاعران تکلیفشان با زبان روشن نیست و درگیری جدی با زبان ندارند؛ در زبان حادثه ایجاد نمی‌کنند چرا که به قول شکوفسکی شعر ایجاد حادثه در زبان است. خلق ترکیبات جدید زبانی می‌تواند شاعر را به قله‌های شعری و دست یافتن به یک زبان خاص یاری بدهد. در حوزه‌ی خیال شاعران از ابهام شاعرانه رویگردان شده‌اند. و به عامیانه‌گرایی و عربان کردن نوشته‌ها از عناصر زیبایی شناختی روی آوردند. و همین عامل سبب انحطاط ادبی شعر معاصر می‌شود. نبود ارتباط هنری و هندسی در میان عناصر یک شعر از دیگر چالش‌های مطرح بر سر راه سرایش در شعر معاصر است. و سرانجام نقد دیگری که بر شاعران معاصر وارد است. شباهت وحشتناک آثار آنها با یکدیگر است؛ گویی همه از روی دست هم می‌نویسند. و این اتفاق مبارکی نیست. در این مجموعه‌ی پیش رو با اشعار شاعر جوان و آینده داری مواجه می‌شویم که افق‌های روشنی بر آینده‌ی شعرش می‌توان تصور کرد؛ در شعر خنده اجباری از امیر ابوالفضل عباسیان رگه‌هایی از غزل مدرن را می‌توانیم ببینیم مثلاً: پاشیده شدن خون دل بر واقعه که در آن آرایه حسن تعلیل به زیبایی هر چه تمام پیاده شده که دلیل سرخی آسمان به وقت افق را پاشیده شدن خون دل خویش می‌داند؛ و در خندیدن آینه (آرایه تشخیص یا همان جاندارپنداری هست که می‌تواند به نوعی تروکسلر (هیولا در آینه) را هم در ذهن مخاطب تجسم و القا کند که از خیره شدن زیاد فرد در آینه ایجاد می‌شود که فرد قیافه خود را به نوع و شکلی دیگر مشاهده می‌کند)، و ابیات و آرایه‌های غیره که، نشان توجه شاعر به ایماژ و تصویرسازی مدرن در شعر دارد. موسیقی شعر از نظرگاه شاعر از اهمیت زیادی برخوردار است ایجاد آلتراسیون در برخی مصرع‌ها گواه این رویکرد است «در پیش من از شرم، رخس سرخ و سرش زیر» حرف شین شرم و حیا را در این مصرع به ذهن مخاطب القا می‌کند. حضور تلمیحات پی در پی نشان می‌دهد شاعر در آذین بستن شعرش به اسطوره‌های ادبیات ما اصرار دارد و همین به

شعرش ژرفای خاصی می‌بخشد. از دیگر نمودهای برجسته در شعر این شاعر جوان بیان نوستالوژیک درد انسان معاصر است که در لابه لای چرخنده‌های ماشینیزم از اخلاق و معنویت بریده است. رگه‌هایی از عرق ریزی روحانی در شعرهای ایشان قابل لمس است. هر جا شاعر با زبان، چالش ایجاد کرده و در پی حادته‌های زبانی بوده است رنگ و روی شعر از ادبیت بیشتری برخوردار است. جاندارپنداری طبیعت از دیگر رویکردهای این شاعر است.

که در خور توجه است گویا ایشان با طبیعت به نوعی احساس یگانگی می‌کنند و هم صدایی او و عناصر طبیعت در شعرش گواه این ادعاست به امید افق‌های روشن‌تر و درخشش قلم ایشان در روزگار پیش رو در زیر به شعر خنده‌ی اجباری به عنوان نمونه‌ای از این مدعا توجه می‌کنیم.

طومار خوش عمر مرا یکسره پیچید
وقتی که پرستوی دلم پرزد و کوچید
خورشید میال افق سرخ فرو رفت
خون دل من بود که بر واقعه پاشید
جز پاسخ بی مهری و رد هیچ ندهد
موجی که سر صخره سرش را زد و کوچید
ای شوکت و ای مسند و آوازه‌ی مصری
صد بار دل از چاه حسدهای تو لرزید
از خنده‌ی اجباری من در پس هر غم
خندید به من آینه وقتی که مرا دید
تاویل تو سودی ندهد، قحطی مهرست
صد نیل اگر یکسره پس رفته و خشکید
در پیش من از شرم، رخس سرخ و سرش زیر
شد لاله‌ی وارونه‌ی من پیچک هر بید

محمد فلاحی نسب

۱۴۰۰/۰۵/۰۲